

مبانی قرآنی توبه در صحیفه سجادیه

مهديه اکبرلو (کارشناس ارشد دانشگاه قرآن و حدیث)

mahdiakbari1355@gmail.com

محمد علی مهدوی راد (دانشیار دانشگاه تهران)

mahdavirad@isca.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۱

چکیده

صحیفه سجادیه، میراث گران قدر و زندگی ساز سید ساجدان علی بن الحسین علیه السلام است که به زبور آل محمد علیهم السلام مشهور گشته است. در ذیل حدیث متواتر و ارجمند تقلین و نیز مفاد کلام رسول الله صلی الله علیه و آله «انتم مع القرآن و القرآن معکم» آموزه های روایی و قرآنی همسوی و همسان هستند. بدین سان مطالعه درون مایه صحیفه سجادیه از این منظر پژوهشی ضروری و ثمربخش است. چنانچه در بررسی، ارتباط محتوایی ژرف میان این دو میراث گران سنگ تبیین شود، می تواند دلیلی استوار به صحت انتساب صحیفه به امام علیه السلام باشد. این پژوهش با تبیین ارتباط قرآن و صحیفه و توجه به تفسیر آیات در زمینه خاستگاه های توبه تلاشی در راه نشان دادن پیوند محتوایی این دو کتاب شریف است.

پژوهش حاضر، با مراجعه به صحیفه سجادیه، مهم ترین خاستگاه های توبه را - که ریشه در ذات متعالی و صفات کمال پروردگار دارد مانند قدرت، رحمت، غفاریت، توابیت، فضل - استخراج نموده، سپس هرکدام از این اصول را مورد تحلیل و بررسی بیشتر قرار داده است.

کلیدواژه ها: قرآن، صحیفه سجادیه، توبه، مبانی.

درآمد

توبه از اساسی‌ترین آموزه‌های دین اسلام است که امید را فراروی انسان‌ها قرار می‌دهد. قرآن کریم در آیات فراوانی موضوع توبه را مطرح کرده و همه انسان‌ها را به سوی آن فراخوانده و با شیوه‌های مختلف بیان می‌دارد که توبه‌کنندگان مشمول مغفرت و رحمت پروردگار خواهند بود (شوری: ۲۵؛ توبه: ۴؛ زمر: ۵۳؛ تحریم: ۸). البته ناگفته پیداست که بهره‌مندی از نور قرآن بدون مراجعه به امامان معصوم علیهم‌السلام، که مفسران حقیقی قرآن هستند، میسر نخواهد بود.

در بسیاری از مجموعه‌های حدیثی، بابتی به مبحث توبه اختصاص داده شده است؛ افزون بر آن، برخی از محدثان در باب توبه، تک‌نگاری‌هایی پدید آورده‌اند (مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش: ۱۶/توبه). ولی صحیفه سجادیه، در یافتن مبانی و خاستگاه‌های توبه، هماهنگ و هم سو با قرآن است. به دیگر سخن می‌توان صحیفه سجادیه را تبیین و شرحی بر آیات دعوت به سوی خداوند و بازگشت انسان‌ها یعنی همان «توبه» دانست.

۱. مبانی توبه در صحیفه

امام سجاد علیه‌السلام در نیایش‌های خود، از مفاهیم و مضامین آیات قرآن بهره‌های فراوان برده و بارها به آیات قرآن استشهاد و استناد کرده و از آن‌ها، به‌عنوان مبانی کلام خود استفاده کرده‌اند؛ در ادامه برای اثبات این مدعا، مهم‌ترین مبانی و خاستگاه‌های قرآنی توبه در صحیفه سجادیه ذکر می‌گردد.

۱-۱. قدرت بی‌منتهای الهی

از آنجا که خداوند کمال مطلق است، پس کمال قدرت را در همه صفات از جمله عفو و بخشش داراست.

قدرت از مشهورترین صفات ثبوتی خداوند متعال است. قدرت صفتی است که با آن اگر شخص بخواهد کار را انجام می‌دهد و اگر بخواهد آن را ترک می‌کند (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۱: ۱۴۱)؛ بر اساس این تعریف می‌توان گفت قدرت حق تعالی همان اختیار اوست.

امام سجاد علیه‌السلام در دعایی حقیقت قدرت خدا و نامحدود بودن آن را این‌چنین بیان می‌کنند:

بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تَعْجِزُ عَنْ شَيْءٍ وَإِنْ عَظُمَ، وَ لَا يَفُوتُهَا شَيْءٌ وَإِنْ لَطَفَ (ابطحی،

۱۴۱۱: ۳۱).



این همه برآمده از قدرت اوست که ناتوان نبود در هر کار هرچند سترگ بود و فرونگذارد هیچ کاری را هرچند خرد بود.

خدایی که نه عظمت چیزی مانع از شمول قدرت او می‌شود و نه لطافت و کوچکی چیزی موجب فوت آن از احاطه قدرت می‌گردد. در مقابل قدرت الهی کیست و چیست که بتواند عرض اندام کند؟ نه چیزی در آسمان، نه در زمین، از حوزه قدرت او فرار نخواهد کرد، و او را عاجز و ناتوان نخواهد ساخت: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا﴾ (فاطر: ۴۴).

حضرت در دعایی دیگر می‌فرماید: قدرت الهی هرگز شکست نمی‌خورد و به بنیاد ارادت و مشیت علیایش هرگز خلل نمی‌رسد (ابطحی، ۱۴۱۱: ۲۵). لذا اگر انسان این واقعیت را شناخت، در برطرف شدن نابسامانی‌ها جز به خدای تعالی به کس دیگری متوسل نمی‌گردد؛ زیرا تمام مخلوقات در تحت قدرت و مشیت او هستند (خلجی، ۱۳۸۳: ۱). ﴿وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾ (انعام: ۱۸).

امام علی (ع) در آخرین عبارات دعایی، با توسل به پیامبر ﷺ و اهل بیت (ع) حدوداً یازده تقاضا، از جمله توفیق طاعت، توبه، مغفرت و... را از خداوند درخواست می‌کند و در پایان دلیل می‌آورد که برآوردن این تقاضاها خدا را در تنگنا قرار نمی‌دهد. آن‌گاه در مقام تعلیل و علت درخواست‌ها سه بخش از سه آیه را که ناظر به قدرت لایزال الهی است، اقتباس می‌کنند تا حسن ختامی بر دعای خویش رقم زده باشند (خیاط، ۱۳۹۲: ۲۶۷):

﴿... وَ أَرْزُقْنِي حُسْنَ الْإِنَابَةِ، وَ طَهِّرْنِي بِالتَّوْبَةِ... إِنْ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وَسْعِكَ، وَ لَا يَتَكَادَّكَ فِي قُدْرَتِكَ... إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ﴾ (آل عمران: ۴۰)، ﴿وَ تَحْكُمُ مَا تُرِيدُ﴾ (مائده: ۱)، ﴿إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (آل عمران: ۴۰) (ابطحی، ۱۴۱۱: ۹۹).

... و نعمت انابت نصیب من کن و به آب توبه پاکیزه گردان... ای خداوند، این‌ها در برابر گشادگی عرصه توان تو بر تو دشوار نباشد و تو را در حیطه قدرتت به رنج نیفکند... که تو کنی هر چه خواهی و فرمان رانی به هرگونه که اراده نمایی.

حضرت در دعای «وداع ماه رمضان» ابتدا به مهربانی و لطف و بخشش بی حساب خدا اشاره کرده، آن‌گاه دلیل همه را این بیان می‌کنند که خداوند قدرتش را بر گذشت قرار داده:

...إِنَّكَ بَيِّتَ أَفْعَالِكَ عَلَى التَّفْضِيلِ، وَ أَجْرِيَتْ قُدْرَتَكَ عَلَى التَّجَاوُزِ (همان: ۲۹۲).

...تو ای خداوند، کار خود بر تفضل بنا نهاده‌ای و قدرت خود را برگزشت از گناهان جاری داشته‌ای.

واضح است که این عبارات اشاره به آیاتی دارند که ظهور عظمت و قدرت خدا را در مقام افاضه رحمت و فضل بر انسان‌ها بیان می‌کنند؛ از جمله: نسا: ۱۴۹، ممتحنه: ۷، جمعه: ۴، اسرا: ۸۷.

در نهایت حضرت در مناجات تائبین «قدرت الهی» را مبنای توبه خویش قرار می‌دهند:

لَكَ الْعُتْبَىٰ حَتَّىٰ تَرْضَىٰ إِلَهِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ تَبَّ عَلَيَّ... (ابطحی، ۱۴۱۱: ۴۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۱/۱۴۲).

خدایا سزاوار است که مرا بازخواست کنی تا وقتی که از من خشنود شوی. اما خدای من! به همان قدرتی که بر من داری توبه‌ام بپذیر...

سبب اینکه نباید از عفو و رحمت الهی مأیوس بود، این است که هیچ عامل خارجی نمی‌تواند باعث محدودیت قدرت الهی شود؛ زیرا خدای سبحان مالک آسمان‌ها و زمین است و هر مالکی می‌تواند در مایملک خود هر حکمی دوست دارد بکند. و هر اراده‌ای بکند چه عذاب باشد چه رحمت، به کرسی بنشاند؛ تا حکمت و مصلحت چه اقتضا کند: ﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيُعْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (مائده: ۴۰).
در بسیاری از آیات قرآن کریم، بنای مغفرت و بخشش الهی بر مشیت و قدرت خداوندی تصریح شده است؛ برای نمونه آیات: هود: ۱۰۷؛ بقره: ۲۸۴؛ آل عمران: ۴۰، ۲۹، ۱۲۸، ۱۲۹؛ مائده: ۱۸.

حاصل آنکه، قدرت الهی، همچون دیگر اوصاف ذاتی خداوند، نامتناهی و بیکران است. در صورت تعلق مشیت الهی به آن، هیچ مانعی از تحقق آن وجود ندارد.

۲-۱. رحمت

«رحمت» در لغت به معنای تجلی رأفت و ظهور مهربانی و شفقت، با لحاظ خیر و صلاح است. در خصوص رحمت الهی باید آن را مجرد از رقت قلب دانست (الفراهدی، ۱۴۰۹: ۲۲۴/۳).



«رحمت» در قرآن کریم به طوری که از دقت و تأمل در مواردش دست می‌دهد، عبارت است از عطیه مطلق خدایی و موهبت عامه ربّانی (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۶۱/۱). هم چنان که فرمود: ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾ (اعراف: ۱۵۶).

از آنجا که عفو و بخشش از بارزترین مصادیق رحمت خداوند سبحان می‌باشد؛ رسیدن به آن نعمت مستلزم درخواست از پروردگار متعال است (فراهانی منش، بی تا: ۳۱۲). بدین جهت امام علیه السلام در بیشتر نیایش‌های خود با تعبیرهای دل‌نشین در صدد استرحام و جلب رحمت بی‌انتهای حضرت حق تعالی است و برای این منظور، بیشتر از فقر ذاتی بنده و نیاز همه جانبه او به پروردگار و نیز از غنای مطلق و فضل و کرم حضرت خداوندی به‌عنوان دست‌مایه عفو و آمرزش، سخن رانده است (ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۳: ۸۰/۲).

حضرت در دعایی ضمن اقرار به عزّت و عظمت خداوند سبحان و اظهار عجز و درماندگی در پیشگاه کبریایی، شیوه استرحام را به بندگان خطاکار آموخته و آن را مبنا و خاستگاه توبه خویش قرار داده‌اند:

سُبْحَانَكَ لَا أَيَّاسُ مِنْكَ وَ قَدْ فَتَحْتَ لِي بَابَ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ
الدَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ... تَلَقَّاكَ بِالْإِنَابَةِ وَأَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ... دَعَاكَ بِصَوْتِ
حَامِلٍ [حَائِلٍ] خَفِيٍّ قَدْ تَطَاطَأَ لَكَ فَانْحَنَى وَ نَكَّسَ رَأْسَهُ فَانْتَشَى قَدْ أُرْعَشْتُ
حَشِيئَتُهُ رِجْلَيْهِ وَ غَرَقْتُ دُمُوعُهُ حَدْيَهُ... (ابطحی، ۱۴۱۱: ۷۶).

ای خداوند، از تو نومید نمی‌شوم زیرا در توبه به روی من گشوده‌ای، بلکه به درگاه تو می‌نالم به‌سان بنده‌ای ذلیل و بر خود ستم کرده... اینک دست انابت به‌سوی تو برداشته و از روی اخلاص به درگاه تو توبه می‌کند... و با آوازی نجواگونه با تو راز می‌گوید به تواضع قامت خم کرده و سر فرو داشته و از بیم، پاهایش می‌لرزد و سرکش گونه‌هایش را غرقه ساخته است...

آنگاه با ذکر صفاتی که مناسب مقام رحمت و عفو الهی است و با اصرار و التماس به درگاه خداوند می‌فرمایند:

يَا أَرْحَمَ مَنْ انْتَابَهُ الْمُسْتَرْحِمُونَ وَ يَا أَعْطَفَ مَنْ أَطَافَ بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ...
ای مهربان‌ترین کسی که مقصد جویندگان رحمتی و ای صاحب عطوفتی که مقصود
جویندگان استغفاری... .

این عبارات بازتاب این آیات است: نسا: ۱۱۰؛ توبه: ۱۰۲؛ مومنون: ۱۰۹، ۱۱۸؛ یوسف:

۶۴، ۹۲.

امام علیه السلام در طلوعه دعای «طلب عفو» خداوند را یگانه ملجأ مطمئن و استوار دانسته که بندگان خطاکار پناهگاهی جز آستان او ندارند. آن گاه در ادامه، حضرت به گونه ای با خداوند مناجات می کند که گویا با اسم رحمانیتش تجلی کرده و با پناه بردن به رحمت واسعة الهی، تقاضای عفو و بخشش کرده اند:

أَنْتَ الَّذِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا... وَأَنْتَ الَّذِي تَسْعَى رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ... إِلَهِي لَا تُحَيِّبْ مَنْ لَا يَجِدُ مُعْطِيًا غَيْرَكَ... أَنْتَ الَّذِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِالرَّحْمَةِ... .

تویی که رحمت تو و علم تو همه چیز را در بر گرفته است... تویی که رحمت را بر غضب پیشی است... ای خداوند! آن را که جز تو بخشنده ای نمی یابد نومید مکن... تویی که خود را به رحمت وصف کرده ای.

حضرت در عبارات آغازین دعایی اشاره می کند که پناهی جز لطف خدا و سایه رحمت او

ندارد. آنگاه با تلمیح به آیات قرآن نیازمندی انسان به فضل و رحمت خدا را بیان می کنند:

نَحْنُ الْمُضْطَّرُّونَ الَّذِينَ أُوجِبَتْ إِيَابَتُهُمْ، وَ أَهْلُ السُّوءِ الَّذِينَ وَعَدْتَ الْكُشْفَ عَنْهُمْ، وَ أَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِمَشِيَّتِكَ، وَ أَوْلَى الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ رَحْمَةً مَنِ اسْتَرْحَمَكَ، وَ عَوْتُ مَنِ اسْتَعَاثَ بِكَ، فَارْحَمْ تَصْرُعَنَا إِلَيْكَ (ابطحی، ۱۴۱۱: ۷۴).

ما همان بیچارگان هستیم که اجابتشان واجب داشته ای و همان بدحالان که وعده بهره‌وری شان داده ای. شبیه ترین چیزها به خواست و اراده تو و سزاوارترین کارها در عرصه عز و جلال تو رحمت آوردن تو بر کسی است که از تو رحمت طلبد و فریاد رسیدن تو کسی را که از تو فریاد خواهد. پس بر زاری ما به درگاهت رحمت آور.

این بخش از دعا را کسی می تواند از نهاد جان سر دهد که موقف بندگی را بداند، قدرت

حضرت احدیّت را کاملاً بشناسد و معنی قیوم را بفهمد، آنگاه است که بی اختیار از نهاد جان گوید که من از در خانه تو به کجا پناه برم؟ «أَمَّنْ يُحِيْبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ» (نمل:

۶۲) زیرا تنها خداوند را رافع هر گرفتاری و بدحالی می داند: «وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ



لَهُ إِلَّا هُوَ ﴿ (یونس: ۱۰۷).

حضرت در پایان مناجات تأیید نیز بعد از ذکر اسما و صفات الهی، از گستره رحمت او یاد می‌کند. سپس با توسل به رحمت بی‌کران الهی تقاضا می‌کند که توبه‌اش را بپذیرد و از سر لطف و مهربانی خطاهایش را ببخشد:

يَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّ، يَا كَاشِفَ الصُّرِّ، يَا عَظِيمَ الْبِرِّ... اسْتَشْفَعْتُ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ إِلَيْكَ، وَ تَوَسَّلْتُ بِحَنَانِكَ وَ تَرَحُّمِكَ لَدَيْكَ، فَاسْتَجِبْ دُعَائِي... وَ تَقَبَّلْ تَوْبَتِي... بِمَنَّاكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ... (مجلسی، ۱۴۲۳: ۴۰۷).

ای پاسخگوی درماندگان، ای برطرف‌کننده گرفتاری‌ها، ای کسی که احسانت بزرگ است... اکنون جود و کرمت را به درگاهت شفیع آورده‌ام، و به مهربانی‌ات توسل جست-ام، پس دعایم را اجابت کن... و توبه‌ام را بپذیر... ای مهربان‌ترین مهربانان.

بر اساس آنچه گفته شد، یکی از زیرساخت‌های قرآنی توبه در صحیفه سجادیه، رحمت واسعه الهی است. اگر بنده گناهکار بداند که خداوند متعال در عین عظمت و قدرت در اوج رأفت و رحمت است، بی‌تردید روی به جانب این بخشنده مهربان می‌کند و بستر دریافت رحمت الهی را فراهم می‌آورد.

۱-۳. غفاریت الهی

یکی دیگر از مبانی توبه، که موجب صدور این فعل از عبد خطاکار می‌گردد، توجه به صفت غفران خداست. «غفران» در لغت به معنای ستر و پوشاندن است (الراغب الإصفهانی، ۱۴۱۲: غفر) و در اصطلاح به معنای آمرزش گناه است؛ چه اینکه پوشش گناه به منزله بخشش و آمرزش آن است. خدای تعالی در بسیاری از آیات خود را با صفات غفار^۱، غفور^۲ و غافر معرفی کرده است: ﴿تَبَّىٰ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ (حجر: ۴۹).

«مغفرت» به توبه معنا و فایده می‌بخشد؛ چه اینکه اگر غفران الهی نبود، توبه کردن چه سودی داشت؟ انسان با توبه می‌خواهد از گذشته خود به سوی خداوند بازگردد. اما اگر قرار باشد گذشته همچنان باقی بماند، مگر می‌توان به سوی خداوند حرکت کرد.

بر این اساس، خداوند سبحان از یک سو، امر به توبه نموده و انسان را به آن تشویق کرده است و از سوی دیگر «غفور» بودن خود را تذکر داده: ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ﴾ (طه: ۸۲) تا

انسان بداند با توبه گناهان گذشته بخشیده می‌شود (فراهانی منش، بی تا: ۱۹۷). خداوند مهربان حتی به کفار نیز اطمینان می‌دهد، که اگر دست از کفر بردارند و از مخالفت با اسلام بازایستند خداوند گناهان گذشته آن‌ها را می‌آمرزد: ﴿قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتُوبُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ﴾ (انفال: ۳۸).

خداوند در این آیه ضمن اظهار لطف و کرم، غفران و آمرزش خود را به بندگان می‌نماید، با اینکه از بنده ناسزا می‌بیند و کفر می‌شنود، نه تنها در عقوبت نمی‌شتابد، بلکه توبه و عفو بر وی عرضه می‌کند و اگر باز آید مغفرت وعده می‌دهد (میبیدی، ۱۳۷۱: ۴/۴۷) و به قدری از بازگشت بنده خویش خوشحال می‌شود که حد ندارد:

إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - يَفْرَحُ بِتُوبَةِ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ إِذَا تَابَ، كَمَا يَفْرَحُ أَحَدُكُمْ بِضَالِّهِ إِذَا وَجَدَهَا (کلینی، ۱۴۲۹: ۴/۲۳۴).

حضرت سجاد علیه السلام در دعای «اعتراف و طلب توبه» ضمن درخواست آمرزش گناهان، خداوند را تنها آمرزنده گناهان یادآوری کرده و می‌فرماید:

مَرْجُوٌّ لِلْمَغْفِرَةِ، مَعْرُوفٌ بِالتَّجَاوُزِ، لَيْسَ لِحَاجَتِي مَطْلَبٌ سِوَاكَ، وَلَا لِذَنْبِي غَافِرٌ غَيْرُكَ (ابطحی، ۱۴۱۱: ۷۶).

در تو امید مغفرت است و خود به گذشت و بخشایش شناخته‌ای. جز تو به کس حاجت نبرم و گناهم را جز تو آمرزنده‌ای نیست.

در این بخش امام علیه السلام حقیقتی مهم را بیان می‌کند و آن اینکه چه کسی جز خداوند گناهان را می‌بخشد؟ زیرا گناه در واقع نافرمانی باری تعالی است و این سرکشی را تنها کسی می‌تواند ببخشد که نسبت به او انجام شده است. این عبارت تلمیح است به آیه ﴿وَمَنْ يُغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ﴾.

بازتاب آیات الهی در این عبارات آشکار است و تلمیح آن به برخی از آیات روشن است. از جمله: آل عمران: ۱۳۵؛ طه: ۸۲؛ نوح: ۱۰؛ فصلت: ۴۳؛ نجم: ۳۲.

امام علیه السلام در دعایی دیگر عفو و مغفرت الهی را به لطف و تفضل الهی استناد می‌دهد نه به استحقاق بنده. زیرا بنده با نخستین گناهی که مرتکب می‌شود، مستحق عقوبت و آتش می‌گردد. بنابراین، عفو خداوند به الطاف خاص و مغفرت عام سبحانی مستند می‌گردد:

وَإِنْ كُنْتَ تَغْفِرُ لِي حِينَ اسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ، وَ تَعْفُو عَنِّي حِينَ اسْتَحِقُّ عَفْوَكَ

فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرُ وَاجِبٍ لِي بِاسْتِحْقَاقٍ، وَلَا أَنَا أَهْلٌ لَهُ بِاسْتِجَابٍ، إِذْ كَانَ جَزَائِي مِنْكَ فِي أَوَّلِ مَا عَصَيْتُكَ النَّارَ... (ابطحی، ۱۴۱۱: ۹۹).

اگر مرا به هنگامی که مستوجب آمرزش تو شوم بیامرزی و هنگامی که مستحق عفو تو گردم عفو کنی، باز هم نه به سبب شایستگی من است، زیرا کیفر من در همان آغاز که سر به عصیان تو برداشتم آتش جهنم بوده است.

امام در دعای مشهور «مکارم الاخلاق» نیز، امید بنده را به فضل و احسان الهی می‌داند و گرنه آدمی چیزی ندارد که مستوجب مغفرت و آمرزش خدا گردد. چه اینکه هرگز برای نجات نمی‌توان به اعمال تکیه کرد.

اللَّهُمَّ إِلَيَّ مَغْفِرَتِكَ وَقَدْتُ، وَإِلَيَّ عَفْوِكَ فَصَدْتُ، وَإِلَيَّ تَجَاوُزِكَ اسْتَقْتُ، وَ بِفَضْلِكَ وَتَقْتُّ، وَ لَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي مَغْفِرَتَكَ (همان: ۱۱۰).

ای خداوند، بر آستان مغفرت تو فرود آمده‌ام و به امید عفو تو آهنگ کرده‌ام و به بخشایش تو دل بسته‌ام و به فضل و احسان تو اعتماد کرده‌ام و مرا آنچه سبب آمرزش تو شود، در دست نیست.

سید علی خان در شرح عبارت فوق آورده که این چند جمله از نظر ادبی، حاوی معنای «اختصاص» است، یعنی بار الها! فقط به‌سوی مغفرت تو آمده‌ام و بس (مدنی، ۱۴۰۹: ۲۸۲/۳) درواقع این قسمت از دعا، آموزش توحید کامل است و توحید کامل این است که انسان در عین حال که نهایت درجه عمل صالح را دارد باز خودش را هیچ بداند.

این عبارات برگرفته از آیات قرآن است که برخی از آن بدین قرار است: رعد: ۶؛ حج: ۶۰؛ نسا: ۳۹۹ و سوره بقره: ۲۱۸، ۲۸۶.

امام علیه السلام در دعای «روز اضحی» به فراگیری و وسعت مغفرت الهی اشاره می‌فرماید و اینکه امید به مغفرت الهی اطمینان‌بخش‌تر از امید به طاعت و عبادت خود است (ابطحی، ۱۴۱۱: ۳۴۹).

حضرت در دعایی به دنبال خواسته‌ها و اظهار عجزهای گوناگون، رشته کلام را به مقام خوف و رجا رسانده و با تمسک به اسمای حسناای الهی بشارت به پذیرش استغفار از سوی خداوند داده است:

فَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ وَ مَحَلُّ الْمُعْتَرِفِ لَكَ فَلَا يَضِيقُنَّ عَنِّي فَضْلُكَ وَلَا يَقْضِرُنَّ

دُونِي عَفْوُكَ وَلَا أَكُنْ أَحْيَبَ عِبَادِكَ التَّائِبِينَ، وَلَا أَفْنَطُ وُفُودِكَ الْآهْلِيْنَ، وَ اغْفِرْ لِي، إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ (همان: ۱۶۸).

در اینجا کسی ایستاده که جز آستان تو اش پناهی نیست و در مقابل گناه خویش معترف است. مباد که فضل تو از من دریغ آید و دستم به دامان بخشایش تو نرسد. و مباد که من نومیدترین بندگان تو باشم که روی توبه به درگاه تو آورده‌اند، و مباد که من محروم‌ترین آنان باشم که با دلی پر امید روی به سوی تو نهاده‌اند. خدایا مرا بیامرز که تو بهترین آمرزندگان.

تأمل و دقت در این عبارات، تذکری است برای انسان که گمان نکند مغفرت الهی به او نمی‌رسد؛ بلکه غفران الهی در هر زمان و مکانی با شرایط خاص خود می‌تواند شامل آدمی شود زیرا خدای عز و جل واسع المغفرة (نجم: ۳۲) است. به نظر می‌رسد، این عبارات به آیات ۱۱۰ سوره نساء و ۶۱ سوره هود ارتباط دارد.

حضرت علیه السلام در مناجات تائبین نیز با التجا به مقام غفاریت الهی، بندگان را به توبه تشویق و ترغیب نموده و الطاف بی حساب الهی را در حق بندگان و سنت خدا را بر آمرزش خطاکاران یادآور می‌شود:

فَوَعِزَّتِكَ مَا أَحَدٌ لِدُنُوبِي سِوَاكَ غَافِرًا... وَ قَدْ خَصَّعْتُ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، فَإِنْ طَرَدْتَنِي مِنْ بَابِكَ فِيمَنْ أَلُوذُ، وَ أَنْ رَدَدْتَنِي عَنْ جَنَابِكَ فِيمَنْ أَعُوذُ... (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۲/۹۱)

به عزتت سوگند برای گناهانم آمرزنده‌ای جز تو نمی‌یابم. به پیشگاهت با توبه و انابه فروتنی نمودم، اگر مرا از درگاهت برانی به که روی آورم؟ و اگر از آستانت بازگردانی به که پناه برم؟

کسی که معرفتی نسبت به خالق متعال داشته باشد، او را بهترین ملجأ و پناهگاه خود می‌داند؛ زیرا اگر قرار است آدمی هنگام تهدید خطری به ربی پناهنده شود، الله تنها رب آدمی است و جز او ربی نیست؛ همچنین اگر قرار است آدمی در چنین مواقعی به پادشاهی نیرومند پناه برد، الله سبحانه، پادشاه حقیقی عالم است؛ چون ملک از آن اوست و حکم تنها حکم اوست و یا اگر قرار است برای دفع شر به معبودی پناه برد، الله تعالی معبود حقیقی است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۲۰/۶۸۷، ۶۸۸). از این رو امام علیه السلام عرضه می‌دارد: اگر تو مرا از درگاهت



برانی رو به که آورم و به چه کسی پناه برم.

بنابراین مغفرت، عامل مهم و مؤثری برای توبه به سوی خداوند سبحان است. امام علیه السلام از طریق توجّه دادن اَمّت به غفران الهی، روزنه‌های امید را به روی عموم بندگان می‌گشاید و در دعا‌های فراوان یادآور می‌شود که خداوند متعال تنها آمرزنده گناهان است.

۱-۴. توبه‌پذیری خداوند

پذیرش توبه از سوی پروردگار مهربان از دیگر مبانی توبه محسوب می‌شود؛ چنانکه آیات فراوانی از قرآن کریم بر صفت تَوَّاب بودن خدا دلالت می‌کند.

«تَوَّاب» صیغه مبالغه از ریشه «ت و ب» به معنای بسیار رجوع کننده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: توب) توبه، هم به خدا اسناد داده می‌شود و هم به بنده؛ توبه الهی یعنی بازگشت با رحمت به سوی بندگان که کنایه از توبه‌پذیری است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۴۵/۴).

امام سجاده علیه السلام این عنایت حق تعالی را با تعبیراتی لطیف و جذّاب بیان می‌کنند: تو منزهی، از تو مأیوس نیستم و حال آنکه برای من درب توبه را به سوی خویش باز نمودی (ابطحی، ۱۴۱۱: ۷۶). تو آن خدای مهربانی که برای بندگان دری به سوی بخشش باز نمودی و آن را توبه نامیدی (همان: ۲۹۳).

حضرت با این بیانات کوتاه توبه‌پذیری خداوند و عنایت خاص او را به بندگان متذکّر می‌شود. درواقع، هدف امام علیه السلام از طرح این گونه مفاهیم، توجّه دادن انسان‌ها به صفت «تَوَّاب» خداوند است، تا از این طریق به توبه و اصلاح رفتارهای خود روی آورند.

به هر حال، توبه - آن گونه که امام سجاده علیه السلام فرموده‌اند - نوعی توفیق الهی است که جز به فضل و احسان او نمی‌توان به آن دست یافت (همان: ۱۷).

حضرت در مقام توصیف حق تعالی و بیان مظاهر لطف او به بندگان به صفت «تَوَّاب» خداوند اشاره کرده و می‌فرماید: ای کسی که بندگان را به قبول توبه عادت داده‌ای: **وَيَا مَنْ عَوَّدَ عِبَادَهُ قَبُولَ الْإِنَابَةِ** (همان: ۷۶).

امام علیه السلام در دعای معروف «طلب توبه» با اقتباس از آیه شریفه، وعده توبه‌پذیری خدا را عنوان کرده و به حکم آن دست به دامن فضل و احسان الهی می‌شود و عرضه می‌دارد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ كَبَائِرِ ذُنُوبِي وَ صَغَائِرِهَا... وَ قَدْ قُلْتُ -

يَا إِلَهِي - فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ: إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ، وَتَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَ... فَأَقْبَلْ تَوْبَتِي كَمَا وَعَدْتَ (همان: ۱۵۱).

ای خداوند، در همین مکان که ایستاده‌ام، توبه می‌کنم از گناهان خرد و کلان خود... ای خداوند من، تو خود در کتاب محکمت گفته‌ای که توبه بندگان را می‌پذیری و گناهانشان را عفو می‌کنی و... پس همچنان که وعده داده‌ای توبه مرا بپذیر. در آخرین عبارات همین دعا بار دیگر توبه خویش را بر صفت توابیت حضرت حق سبحانه مبتنی می‌سازد و کلام لطف‌آمیز خداوند را از خودش گرفته و با تصریح به درگاهش، عرضه می‌دارد:

اللَّهُمَّ فَكَمَا أَمَرْتَ بِالتَّوْبَةِ، وَ صَمَّيْتَ الْقَبُولَ... وَ أَقْبَلْ تَوْبَتِي، وَ لَا تَرْجِعْنِي مَرْجِعَ الْخَبِيَّةِ مِنْ رَحْمَتِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ.

ای خداوند، همچنان که ما را به توبه فرمان داده‌ای و پذیرفتش بر عهده گرفته‌ای... توبه من بپذیر و به جایی که نو میدان از رحمت خود را باز می‌گردانی باز مگردان. تویی آن که توبه گنه‌کاران می‌پذیری.

خاستگاه قرآنی این عبارات آیاتی است که توفیق توبه و پذیرش آن از سوی خدا را بیان کرده- اند: توبه: ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۱۸؛ شورا: ۲۵؛ غافر: ۳؛ نور: ۱۰؛ هود: ۹۰؛ بقره: ۱۶۰. از آنجا که انسان فی نفسه سراپا فقر است، به ناچار در رجوع به سوی پروردگار نیز به عنایت و اعانتی از پروردگارش محتاج است. توبه الهی در این مورد پیش از توبه بنده و به معنی فراهم ساختن اسباب توبه و هدایت او به سوی توبه (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/۲۰۰) و بازگرداندن دل‌های رمیده از حق به سوی اطاعت و محبت خویش (طبری، ۱۴۱۲: ۱/۱۹۵) ظهور می‌یابد. علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد:

توبه عبد حسنه است، و حسنه نیازمند نیرو است، و نیروی انجام حسنه از خدا است، او است که توفیق می‌دهد، یعنی اسباب فراهم می‌سازد تا بنده موفق و متمکن از توبه بشود، و بتواند از فرورفتگی در لجن‌زار گناه و دوری از خدا بیرون آید، و به سوی پروردگارش برگردد (الطباطبایی، ۱۴۱۷: ۴/۲۳۷).

امام علیه السلام در دعای عرفه پس از وصف خدای تعالی به اوصاف جلال و جمال، از آن منبع فضل و کرم، تقاضای عفو و رحمت و مغفرت نموده و با ذکر صفات «رَبِّ، مَنَّان، اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،



عفو و توبه» هرکدام را مبنای یکی از درخواست‌های خود قرار داده و عرضه می‌دارد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقِيبِي مِنَ النَّارِ، يَا رَبَّ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِي، يَا مَنَّانُ
مَنْ عَلَيَّ بِالرَّحْمَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا عَفُوَّ اعْفُ عَنِّي، يَا تَوَّابُ تُبْ عَلَيَّ وَاقْبَلْ
تَوْبَتِي (ابطحی، ۱۴۱۱: ۳۴۵).

تأمل در این کلام امام علیه السلام روح نشاط و امید به نجات را در انسان ایجاد می‌کند تا از این طریق در راه اصلاح و تربیت خود عزم نماید و جدیت به خرج دهد. پروردگار توبه پذیر مهربان، توبه بندگان را مکرر می‌پذیرد از این روی در مورد توبه خداوند هیچ‌گاه «تائب» خوانده نشده بلکه پیوسته در قرآن «تواب» آمده است.

امام علیه السلام در نیایش روز عرفه، ضمن دعا برای دوستان اهل بیت علیهم السلام از خدا درخواست می‌کند که شئون زندگی‌شان را اصلاح فرماید و توبه آن‌ها را بپذیرد. آنگاه مبنای درخواستش را با اقتباس آیه‌ای که دلیل بر توبه بودن خداست، بیان می‌کند:

وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَيَّ أَرْوَاحِهِمْ، وَ اجْمَعْ عَلَيَّ التَّقْوَىٰ أَمْرُهُمْ، وَ اصْلِحْ لَهُمْ
سُؤُورَهُمْ، وَ تُبْ عَلَيْهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (ابطحی، ۱۴۱۱: ۳۱۶).

ای خداوند، بر ایشان سلام کن و بر ارواحشان. اعمالشان را با تقوا توأم نما و مهربانی. احوالشان به صلاح آور و توبه‌شان را بپذیر، که تو، توبه‌پذیرنده و مهربانی.

حضرت در دعایی دیگر ضمن اشاره به ثبت همه اعمال انسان و این‌که چیزی از خدا پنهان نیست، طلب عفو و رحمت و توبه می‌کند و آخرین بخش دعایش را با وصف توبه‌پذیری خدا پایان می‌بخشد:

فَارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ تَجَاوَزْ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، وَ تُبْ عَلَيَّ،
إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (همان: ۳۷۴).

بر من رحمت آور ای مهربان‌ترین مهربانان. از گناه من درگذر ای صاحب جلال و اکرام. توبه من بپذیر که تو توبه‌پذیرنده و مهربانی.

این عبارات نیز چونان بخش‌های پیشین تجلی‌گاه قرآن کریم است و به آیاتی که اشاره شد، تلمیح دارد. آنچه از کلام نورانی امام علیه السلام استفاده می‌شود، آغاز توبه، با توفیق خداست و همواره با این عنایت و توفیق، هدایت به راه راست میسر است. حضرت بارها در نیایش‌های صحیفه سجادیه صفت «توبه‌پذیری» خداوند را مطرح نموده و توبه خویش را بر آن مبتنی ساخته‌اند.

۵-۱. فضل الهی

از دیگر خاستگاه‌های مهم توبه در صحیفه سجادیه، فضل الهی است که از صفات جمال و کمال پروردگار به حساب می‌آید؛ که به نوعی در اصل‌های گذشته نیز مطرح بوده چه اینکه «فضل الهی» منشأ هر عطیه و احسان و رحمت خداست.

«فضل» بر افزونی و زیادتی در چیزی دلالت دارد، که از جمله زیادتی خیر است (ابن فارس، ۱۴۰۴: فضل). راغب گوید به هر عطیه‌ای که دادنش بر معطی لازم نیست، «فضل» گویند. یعنی احسان و رحمت و عطائی که خدا بر بندگان می‌کند، بر خداوند لازم نیست بلکه از روی لطف و کرم عطا می‌کند؛ لذا به آن فضل گفته می‌شود که زیادت است و گرنه بندگان حقی در نزد خدا ندارند (الراغب الإصفهانی، ۱۴۱۲: فضل).

«فضل» در آیات قرآن به معنای برتری، عطیه، احسان و رحمت به کار رفته است (قرشی، ۱۴۱۱: ۱۸۳/۵). برتری در جنبه مادی یا معنوی. اینک به چند آیه نظر می‌کنیم:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا﴾ (سبأ: ۱۰). واژه «فضل» مفهوم وسیعی دارد و تمام مواهبی را که خدا به داوود علیه السلام ارزانی داشته بود، چه در جنبه معنوی و چه در جنبه مادی شامل می‌شود. ﴿فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (بقره: ۶۴). در این آیه کلمه رحمت بعد از «فضل» آمده است و درواقع فضل الهی بستر رحمت قرار گرفته است. ملاصدرا می‌گوید:

این آیه از کلیه آیات انسان را بیشتر امیدوار می‌کند و دلالت این آیه بر رحمت و گذشت حضرت پروردگار از بندگان معصیت‌کار خود از آیات دیگر قوی‌تر است. زیرا این جمله که می‌فرماید: ﴿فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ﴾ بر کمال رأفت و رحمت خدا دلالت می‌نماید (صدرالمتألهین، ۱۳۶۶: ۴۶۳/۳).

﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (بقره: ۲۵۱) فضل و احسان و بخشش پروردگار اختصاص به گروه ویژه‌ای ندارد؛ فضل و رحمت خدا همچون باران بر همگان سرازیر است و همه انسان‌ها بلکه همه موجودات از این فیض بی‌کران برخوردارند. البته باید توجه داشت که هر چه زمینه برای دریافت فیض فراهم‌تر باشد، بهره‌مندی از آن بیشتر خواهد بود.

بنابراین، «فضل» هر عطیه‌ای است که دادنش عقلاً واجب نیست و گیرنده‌اش مستحق آن



نباشد و اگر همه نعمت‌های مادی و معنوی، فضل خدا خوانده‌شده، بدین جهت است که کسی چیزی از خدا طلبکار و مستحق نیست، او هر چه می‌دهد به فضل خود و زائد بر استحقاق می‌دهد (الطباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۵۹/۳).

در صحیفه سجادیه، توبه و اقبال به خداوند با فضل الهی صورت می‌گیرد و تفضل اوست که بنده را وامی‌دارد که از خداوند درخواست کند و به سوبیش بازگردد:

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ (ابطحی، ۱۴۱۱: ۱۷).

حمد و سپاس خداوندی را که ما را به توبه راه نمود. و اگر پرتو فضل او نبود، هرگز بدان راه نمی‌یافتیم.

وَ يَحْدُونِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ تَفَضُّلِكَ عَلَيَّ مَنْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ، وَ وَفَدَ بِحُسْنِ ظَنِّهِ إِلَيْكَ، إِذْ جَمِيعُ إِحْسَانِكَ تَفَضُّلٌ (همان: ۷۶).

و اما آن یک خصلت که مرا وامی‌دارد تا از تو چیزی خواهم تفضل توست به کسی که روی به درگاه تو آرد و با امیدی نیکو به سوی تو آید که هر احسان که کنی از روی تفضل است.

در واقع، کلام امام علیه السلام نمایانگر این آیات است که فضل خدای متعال عظیم (انفال: ۲۹) و رحمت او گسترده (اعراف: ۱۵۶) است.

حضرت در دعایی ضمن اعتراف به عجز و ناتوانی در ادای شکر، فضل خدا بر بندگان در عطاى نعمت و آمرزش خداوند را مطرح نموده و آنگاه در تعلیل آن‌ها عرضه می‌دارد. این به آن جهت است که سنت خداوند فضل، احسان و عفو است (ابطحی، ۱۴۱۱: ۱۸۳).

امام علیه السلام در دعای طلب توبه به این نکته اشاره می‌کند که مبنای توبه فضل الهی است و فرد گناهکار از طریق آن به خداوند پناه می‌برد و بر ترک آنچه از او سر زده، و جبران تقصیر گذشته راسخ می‌شود:

اللَّهُمَّ... وَ لَا شَفِيعَ لِي إِلَّا لِي إِلَيْكَ فَلْيَشْفَعْ لِي فَضْلُكَ... (همان: ۱۶۱).

بار خدایا! ... کس نیست که به درگاه تو شفیع من شود فضل و کرم توست که باید مرا شفاعت کند...

حضرت فضل الهی را موجب امید و مایه شکوفایی فطرت مجرمانی می‌داند که همه عمر را

به راه گناه و عصیان شتافتند، و باز از رحمت بی‌حد الهی ناامید نخواهند بود زیرا خدای بزرگ، فضل و کرامت خود را از احدی منع نخواهد کرد:

فَأَمَّا أَنْتَ يَا إِلَهِي... وَلَا يَيْئَسُ مِنْكَ الْمُجْرِمُونَ، لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا يَمْنَعُ أَحَدًا فَضْلَهُ (همان: ۱۸۷).

اما تو ای خدای من... مجرمان از رحمت تو نومید نمی‌شوند که تو آن پروردگار بزرگ هستی که فضل خود را از کسی بازنداری.

در نهایت باید گفت، ملاک در ثواب و عقاب، اعمال آدمی است و اقتضای عدل خداوند تبارک و تعالی این است که با هر انسانی بر طبق عملش معامله کند؛ به آنچه زیاده و فراتر از عمل داده می‌شود، «فضل» می‌گویند.

«فضل» یکی از اوصاف الهی است که نهایت رحمت و رأفت و لطف الهی را می‌رساند. بر اساس این صفت خداوند در مقابل عمل آدمی بیشتر از آنچه باید بدهد، می‌دهد. به همین دلیل «فضل الهی» به‌عنوان یکی از اصول و خاستگاه‌های مهم توبه در صحیفه سجادیه مطرح شده زیرا نه‌تنها توفیق و قبول توبه از سوی خداوند سبحان، نقض است بلکه عفو و آمرزش گناهان و تبدیل آن‌ها به حسنات همه از لطف و فضل آن کریم بی‌همتاست.

جمع بندی و نتیجه‌گیری

امام زین‌العابدین علیه السلام در نیایش‌های خود بارها به قرآن ارجاع داده و از مفاهیم و مضامین آیات قرآن به‌عنوان مبانی کلام خود بهره برده‌اند. از مهم‌ترین اصول و خاستگاه‌های قرآنی توبه در صحیفه، که ریشه در ذات متعالی و صفات کمال پروردگار دارد، می‌توان به قدرت الهی، رحمت، غفارت، توبیّت و فضل الهی اشاره کرد. دیدگاهی که در این باره توسط امام بیان شده، دقیقاً با حقیقت رحمت و بخشایش بی‌نهایت خداوند که در آیات متعدد قرآن به آن اشاره شده، منطبق است و تعبیری دیگر از همان مفاهیمی است که در قرآن آمده و این امر بیان‌کننده این حقیقت است که قرآن به‌عنوان متن اصلی و مجمل و گفتار امام علیه السلام مبین و راسم حدود تشریحی آن به شمار می‌رود. بنابراین به حکم روایت پیامبر صلی الله علیه و آله، قرآن و اهل بیت علیهم السلام همراهی دوسویه دارند که تا روز واپسین پایدار و استوار است.

صحیفه سجادیه با محتوای دعاگونه خود بر تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی یک فرد



مؤمن تأکید دارد و آموزه‌هایی را ارائه می‌دهد که کاملاً ریشه در کلام وحی دارد. بر همین اساس جای آن دارد که پژوهشگران شیعی، با نگاهی دیگر به این کتاب ارزشمند، در بررسی آموزه‌های ناظر بر ابعاد زندگی فردی و اجتماعی قدم‌های بلندی بردارند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. طه: ۸۲؛ ص: ۶۶؛ زمر: ۵.
۲. بقره: ۱۸۲ و ۱۹۲ ..: آل عمران: ۳۱ و ۸۹ و ۱۲۹.
۳. ﴿فَأُولَٰئِكَ عَسَى اللَّهُ أَن يَعْفُو عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا غَفُورًا﴾.
۴. ﴿وَمَن يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾.



منابع

۱. قرآن کریم؛
۲. ابطحی، سید محمدباقر. (۱۴۱۱ق). الصحیفة السجادیة الجامعة، قم: مؤسسه الامام المهدي علیه السلام، چاپ اول؛
۳. ابن فارس، أحمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. تحقیق: محمد هارون عبدالسلام، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول؛
۴. خلجی، محمد تقی. (۱۳۸۳ش). اسرار خاموشان (شرح صحیفة سجادیه). قم: پرتو خورشید، چاپ اول؛
۵. خیاط، علی. (۱۳۹۲ش). تجلی قرآن در نیایش معصومان^۱. مشهد. آستان قدس رضوی، چاپ اول؛
۶. مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی. (۱۳۸۷ش). دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران: چاپ اول؛
۷. الراغب الإصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: الدار الشامیة؛
۸. ربانی گلیپایگانی، علی. (۱۳۸۱ش). عقاید استدلالی. قم: نصاب، چاپ چهارم؛
۹. صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۶ش). تفسیر القرآن الکریم. تحقیق محمد خواجهی، قم: انتشارات بیدار، چاپ دوم؛
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم؛
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. با مقدمه محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم؛
۱۲. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفة؛



۱۳. فراهانی منش، علیرضا. (بی تا). دعاشناسی موضوعی (پژوهشی نوین در دعای جوشن کبیر). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛
۱۴. الفراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین. تحقیق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامزایی، قم: موسسه دارالهجرة؛
۱۵. قرشی بنایی، سید علی اکبر. (۱۴۱ق). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم؛
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۲۹ق). الکافی. قم: دار الحدیث، چاپ اول؛
۱۷. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی. (۱۴۲۳ق). زاد المعاد مفتاح الجنان. بیروت: موسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول؛
۱۸. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم؛
۱۹. مدنی، سید علیخان بن احمد. (۱۴۰۹ق). ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین. تحقیق: محسن حسینی امینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی؛
۲۰. ممدوحی کرمانشاهی، حسن. (۱۳۸۳ش). شهود و شناخت. قم: بوستان کتاب؛
۲۱. موسوی همدانی، سید محمدباقر. (۱۳۷۴ش). ترجمه تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم؛
۲۲. میبیدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد. (۱۳۷۱ش). کشف الأسرار و عدة الأبرار. تحقیق: علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم.